

بسم الله الرحمن الرحيم

لاحول ولا قوة الا به الله العلى العظيم ، توكلت على الله فى كل امور
وصلى الله على سيدنا و مولانا ابي القاسم، محمد صلى الله عليه وآله ، مدينه العلم
والسلام على وليه و وصيه و بابه ، اشرف الاولياء و الاوصياء ، ابوالائمه سيد السادات
حيدر كرار ، ابوالحسن المرتضى على عليه السلام كرم الله وجهه .والحسن والحسين
،سيدالشباب اهل الجرح وعلى بن الحسين السجاد ومحمدبن على الباقر و جعفر بن
محمد الصادق و (ابى) موسى بن جعفر الكاظم و على بن موسى الرضا المرتضى و
محمد بن على التقى الجواد وعلى بن محمد النقى و حسن بن على العسكرى
والسلام على ولى الله الاعظم بقيه الله الاعظم حجه بن الحسن
ارواحنا لتراب مقدمه فداه .



دانشگاه پیام نور
واحد تهران مرکز
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت درجه
کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پژوهش:
فرهنگ اشارات و تلمیحات در دیوان ناصر خسرو قبادیانی
(از قصیده ۱۰۰ تا قصیده ۱۵۰)

استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی محمد پشت دار
استاد مشاور: سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

پژوهش و نگارش: سید مسیح الدین موسوی

نیمسال دوم تحصیلی: ۸۷-۸۸

با سپاس از **خداوند سبحان** که توفیق کسب علوم را تا بدین پایه بر این بنده کهن خود ارزانی داشته

و تشکر و سپاس از همکاری و یاری **یار مهربان و همسر** گرانقدرم که در صعود و فرود زندگی همیشه بال پروازم بود .

و با تشکر از استاد و مرشد راهم **حضرت استاد دکتر علی محمد پشت دار** که در این کوتاه زمان تهیه این رساله درس بزرگ زندگی آزاد و آزاد زیستن را به من آموخت ، باشد که در طول زندگی مراتب این دانش آموخته را بجای آورم.

و سپاس فراوان از پدران و مادران مهربان و همه دوستان و بستگان و وابستگی که بنده را مورد الطاف بی شائبه خود قرار داده اند .

و در نهایت این کمترین حاصل توفیق حضرت حق و مساعدت نظر مولانا صاحب الزمان می باشد .

فهرست

۴	فهرست
۶	چکیده
۷	فصل اول
۸	کلیات
۱۱	پیشگفتار
۱۴	شیوه نامه
۱۵	مقدمه
۲۰	فصل دوم
۲۱	داده های پژوهشی
۲۱	مقدمه
۲۱	تلمیح
۲۱	تضمین
۲۲	اشاره
۲۲	حل
۲۲	اقتباس
۲۳	تمثیل و ارسال مثل
۲۳	منشاء پیدایش تلمیح
۲۴	استفاده از تلمیح در ادبیات فارسی
۲۴	امتیاز تلمیح در شعر فارسی
۲۶	فصل سوم
۲۷	۱- آیات
۴۷	۲- احادیث
۵۸	۳- اشارات
۶۴	۴- اشخاص
۷۱	۵- اصطلاحات دینی
۸۶	۶- اعتقادات و باورها

۹۰.....	۷- ایام واماکن.....
۹۳.....	۸- صفات مولا علی.....
۹۸.....	۹- ضرب المثل ها.....
۱۰۳.....	۱۰- مذاهب اسلامی.....
۱۰۴.....	۱۱- نجوم.....
۱۰۷.....	فصل چهارم.....
۱۰۸.....	نتیجه گیری.....
۱۱۰.....	نمودارها.....
۱۱۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....
۱۱۵.....	چکیده لاتین.....

چکیده:

رساله ای که پیش رو دارید گزینش و گزارشی از فرهنگ تلمیحات و اشارات در پنجاه قصیده منتخب از قصاید دیوان ناصر خسرو است.

شعر ناصر خسرو در واقع شعری مجاهدانه است که احساسات و عواطف در آن زیر نفوذ خرد و قوانین اخلاقی و مذهبی قرار دارد و از ویژگی های وی صور خیال در شعر، توجه به تلمیحات، بهره گیری از مجازها و تشبیهات خاص قرآن، به کارگیری واژه ها و ترکیبات فصیح کهن است که به شعر او عذوبت می بخشد. ادبیات برای ناصر خسرو وسیله ای است در خدمت عقاید و باورهای دینی در نتیجه اثری که می آفریند اثری کلامی است و آیات قرآن، احادیث، عقاید، مذاهب و فرق در گفتار وی فراوان است.

کلید واژه ها: ناصر خسرو، اشارات و تلمیحات

فصل اول

کلیات

الف) بیان مسئله:

(شامل تشریح ابعاد و حدود مسئله، معرفی دقیق آن، بیان جنبه های مجهول و مبهم، متغیرهای مربوط به سوال تحقیق و منظور تحقیق)

قصیده پردازی شیوه ای برای راهیابی سریعتر برای کاربردی نمودن واژه های گوناگون است و از طریق آن می توان به شناخت فردیت و کلیت هستی زندگی فردی و اجتماعی انسان نزدیک شد و ناصرخسرو سخت در پی این هدف از انفاس قدسی بهره برده و بر دانش، فکر و رفتار انسان اثر گذار بوده است و ما نیز در پی بررسی و توضیح مسایل و مباحث اعتقادی، اجتماعی و تربیتی نهفته در قصیده های ناصرخسرو هستیم و بر اساس روش ها و شیوه های وی در بیان موضوعات در قالب قصاید به اثرگذاری آن بر روابط انسانی می پردازیم.

- ۱- آیا اسلوب قصاید ناصرخسرو برای بیان مفاهیم اخلاقی بر پایه قرآن استوار است؟
- ۲- آیا میان کاربرد اشارات و تلمیحات در شیوه بیان ناصرخسرو و فهم قصاید، رابطه وجود دارد؟
- ۳- بسامد تلمیحات در شعر ناصر خسرو در چه میزانی است؟

ب) فرضیات تحقیق:

- ۱- شاید اسلوب قصیده پردازی ناصرخسرو برای بیان مفاهیم اعتقادی بر پایه مذهب باشد.
- ۲- شاید میزان تأثیرپذیری ناصرخسرو از قرآن و احادیث بیش از موارد دیگر باشد.

ج) اهداف تحقیق:

- (شامل اهداف علمی، کاربردی و ضرورت های خاص انجام تحقیق)
- در این پژوهش در پی دستیابی به اهداف ذیل هستیم:
- تهیه فرهنگی نسبتاً جامع از اشارات و تلمیحات استفاده شده در قصاید ناصرخسرو
 - و کمک به شناساندن این مجاهد ادیب و این ادیب مجاهد به ادب پژوهان و مجاهدان عرصه ادب.

د) اهمیت تحقیق:

اهمیت جمع آوری فرهنگی از اشارات و تلمیحات بیشتر متوجه شناساندن عقاید و تفکرات شاعر و در کلیت موضوع تمسک به احیای شناخت در رجه بیشتر اشارات در متون و اشعار این کهن دیرپا ادب جهان می کند. با تهیه این فرهنگ و از این دست فرهنگ ها و مقایسه این فرهنگ ها از نوشته های متفاوت می توان به نوع دیدگاه این قوم در طول چندین قرن نسبت به موضوعات واحد پی برد و این راهی است برای شناخت گذشته و حال ادب این قوم و برنامه ریزی و پایه گذاری برای فرهنگ مردم این مرز و بوم. در ضمن با شناخت ریشه های منابع تلمیحات و اشارات این قوم می توان به میزان عمق کلامی ایشان و ارتباط ادب ایشان با متون مقدس پی برد. پس برای شناخت بهترین راه برای آینده این فرهنگ سترگ اهمیت چنین تحقیقاتی در این زمان برای خروج از این بن بست فرهنگی احساس می شود.

ه) سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

استخراج تلمیحات به صورت فرهنگ سابقه چندان طولانی ندارد. در گذشته اساتید تلمیحات به کار رفته در اشعار را در کلاسهای درس به صورت موردی شرح و بررسی می کردند، اما با گسترش روزافزون دانش پژوهان ادبیات و پیشرفت علمی استادان فن و طراز اول کشور به تدوین و گودآوری تلمیحات به کار رفته در آثار شاعران پرداختند که از مهم ترین این آثار عبارت است از: ۱- فرهنگ تلمیحات دکتر سیروس شمیسا ۲- فرهنگ اشارات دکتر سیروس شمیسا ۳- اسرار التوحید دکتر شفیعی کدکنی ۴- مختارنامه دکتر شفیعی کدکنی ۵- فرهنگ تلمیحات شعر معاصر آقای محمدحسین محمدی

و) جنبه جدید بودن و نوآوری طرح در چیست؟

روش های کاربرد اشارات و تلمیحات در قصاید ناصرخسرو و تبیین اهداف فرهنگی او برای دستیابی به کاربرد عملی مفهیم اخلاقی و تربیت فردی، اجتماعی و ارتباط آن با آموزه های دینی که برای نسل جوان کمتر ملموس است، لذا انتخاب این موضوع و روش کاربردی آن به عنوان یک اقدام فرهنگی نو و بدیع مطرح است.

ز) روش تحقیق:

این پژوهش بر اساس اهداف تعیین شده در پی بررسی اشارات و تلمیحات در قصاید ناصرخسرو است که بر پایه روش کاربردی از نوع تحلیل محتوا انجام می شود که هدف اصلی آن بررسی ارتباط اشارات و تلمیحات استفاده شده در قصایدی چند از دیوان ناصرخسرو می باشد.

۱- روش گردآوری اطلاعات: (میدانی، کتابخانه ای) و یافته های تحقیق و گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع علمی کتابخانه و کتابهای الکترونیکی جمع آوری شده است.

۲- ابزار گردآوری اطلاعات: فیش، روش کار، گردآوری مطالب از طریق فیش برداری از منابع به صورت ذیل انجام شده است:

۱- مطالعه در دیوان ناصرخسرو

۲- فیش برداری از تلمیحات و اشارات دیوان

۳- جستجو در ارتباط با مأخذ ناصرخسرو در مورد هر تلمیح یا اشاره

۴- ترکیب و تالیف یادداشتهای و دسته بندی آنها

۵- نتیجه گیری

ط) علایم اختصاری:

- ب: بیت

- ق: قصیده

- ص: صفحه

پیشگفتار:

نگاهی مختصر به زندگی و احوال ناصر خسرو

دانشمند پرمایه، سخنور فرزانه ابومعین حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی، حجت خراسان متولد ذی القعدة سال ۳۹۴ هـ ق در قبادیان مرو و متوفی به سال ۴۸۱ هـ ق در یمگان بدخشان زندگی او را به چند وهله می توان تقسیم کرد در وهله اولی او دبیرست فاضل و برخوردار از منصب دیوانی و شغل درباری، در میان همگان شهره است و از اقران ممتاز، ملقب به ادیب و دبیر فاضل گشته و مقیم بلخ است با خانه و ضیاع و عقار و برادرش نیز خواجه ابوالفتح عبدالجلیل وزیر امیرخراسان است.

از آغاز نوجوانی به کسب علوم رایج پرداخته و در کسب فنون و جمع علوم و ادب رنج فراوان کشیده، قرآن از بردارد و علوم عقلی و نقلی خاصه دانش را و بالاخص علم حساب و نجوم و فلسفه دیده و در کلام و حکمت متألهین تبحر پیدا کرده و با ملل و نحل آن زمان از زرتشتی و عیسوی و یهودی گرفته تا مانوی و صابئین و هندوها و هندیان در ارتباط بوده و انتهای این دوره را می توان در سفری به شهر مرو در ربیع الاول سال ۴۳۷ که خوابی او را به بیداری فرامی خواند، دانست و ماجرای خواب را اینگونه بیان می دارد که در ربیع الاول سال ۴۳۷ برابر با اواخر مهرماه ۴۱۴ یزدگردی که به پنج ده مروالرود و سپس به جوزجان می رود و یک ماه آنجا می ماند در شغل دیوانی و کار آب و هم به آنجاست که شبی خواب می بیند که پیری او را به وصول حقیقت ترغیب و از مستی دور می کند و راه وصول به حقیقت را اشاره به سفر قبله می کند و سحرگاه که از خواب شبانگاهی برمی خیزد عزم به بیداری از خواب چهل ساله می گیرد و دقیقاً از روز ۵ شنبه ششم جمادی الاخر سال ۴۳۷ هـ ق را برابر نیمه دی ماه سال ۴۱۴ یزدگردی را خط فارق مرحله اول و مرحله دوم زندگی او باید دانست.

وهله دوم با بیرون شدن از مرو که سرآغاز سفر هفت ساله سه هزار فرسنگی اوست آغاز می شود که شرحی زیبا و خواندنی را بر این مرحله از زندگی اش را در سفرنامه اش نگاشته است که آغاز این سفر را سوم شعبان ۴۳۷ هجری برابر با ۴ شنبه اول فروردین ماه ۴۱۵ یزدگردی می گوید و در انتها روز سه شنبه بیست و پنجم جمادی الاخر سال ۴۴۴ برابر با بیست و دوم آبان ماه ۴۲۱ یزدگردی سفر ۶ سال و هفت ماه و بیست و دو روز او پایان می گیرد.

و پس از چندی مرحله دوم زندگی او آغاز می شود و آن قبل از سال ۴۳۵ هـ است که از شهر بلخ به گریز یا تبعید بیرون شده و این مطلب را در زادالمسافرین بیان می کند در دوره سوم ناصر حجت جزیره خراسان است و مقام حجتی دارد او صاحب مقام از هفت مقام فاطمیان است ی عنی

پس از ناطق و امام نائب امام شمرده می شود . او از طرف ابوتمیم معدبن علی م لقب به المستنصر بالله (۴۲۷-۴۷۸) مأمور به دعوت مردم به طریقه اسماعلیه و بیعت با فاطمیان در خراسان و سرپرستی شیعیان آن سامان است.

در این دوره ناصر را شاعری پرمایه در خدمت نشر عقاید فاطمیان که با استفاده از فنون حکمی و قدرتی عظیم در فن مناظره چه کتبی و چه شفاهی در کار دعوت بی شک کامیاب و موفق بوده است و به دلیل همین موفقیت های روزافزون او دشمنان نیز روز به روز بیشتر شده و عرصه را به او تنگ کرده تا در نهایت به دره یمگان و کوههای بدخشان جدا از شر غوغای عامه و آزار امیران سلجوقی پناه جست و از این به بعد تلخی و غم غربت در اشعار ناصر رسوخ پیدا کرده و گاه حتی این موضوع را در تصنیف های این سالها بیان می دارد و در انتها نیز آن کوههای سخت و دره های صعب جایگاه ابدی مردی مجاهد و اسطوره ای سخت کوش و حقیقت جو شد تا برای ابد نشان وی را در دل خود به امانت نگاه دارد.

آثاری که از وی به یادگار مانده است:

- دیوان وی که مشتمل بر قصاید و قطعات است

- مثنوی سعادت نامه

- روشنایی نامه

- زادالمسافرین که در سال ۴۵۲ نگاشته است.

- وجه دین یا روی دین (که در تأویلات و باطن عبادات و احکام شریعت با استدلال به طریقه اسماعیلیان گفته است)

- خوان اخوان

- شش فصل (یا روشنایی نامه نثر)

- گشایش و رهایش

- بستان العقول * (در دست نیست)

- عجائب الصنعه * (در دست نیست)

- لسان العالم * (در دست نیست)

- اختیارالامام و اختیارالایمان * (در دست نیست)

- جامع الحکمتین (که در ۴۶۲ ناصر تألیفش را به امیر بدخشان شمس الدین ابوالمعالی علی بن اسدبن حارث هدیه کرده است).

اما در همین دوره او دو سفر نیز انجام داد اول سفر به اهواز و دوم سفر به طبرستان و مازندران که قابل ذکر است البته تذکره نویسان در مورد این دو سفر موضوعاتی را خاطرنشان کرده اند. در این جا لازم به ذکر نام شخصی هستیم که نقش مهمی در مرحله سوم زندگی ناصر خسرو ادا می کند و آن کسی نیست جز هبه الدین موسی بن عمران شیرازی ملقب به الموید فی الدین از داعیان بزرگ

اسماعیلیه و حجت جزیره فارس که از او به دربان قصر خلافت و قبله آمال جویندگان حقیقت یاد می کند و بسیار از وی در نوشته هایش یاد می کند.

در دوره چهارم حیات ناصر در افول کامل به سر می برد و دوران شکنجه روحی عمیق اوست ولی آنچه که در ارتباط با این مجاهد نستوه و این بزرگ مجاهده قابل بیان است این است که او تحت فشارهای روحی این دوران هیچگاه خم به ابرو نمی آورد و پهلوانانه تا آخرین لحظات عمر از عقایدش دفاع می کند.

و در نهایت در صبحگاهی از سنه ۴۸۱ این مبارز همیشگی بالاخره تیغ مجاهده بر زمین فروگذارد و در آغوش جانان جای گرفت و جسم رنجیده اش را به امانت ب ه خاک یم گان سپردند که هنوز هم زیارت گاه بلند همتان است. *

*- علی محمد پشدار ، ناصر خسرو و ادب اعتراض ، نشر فرهنگ صبا ۸۵ با اندکی تلخیص

- سفر نامه ناصر خسرو ، به کوشش محمد دبیر سیاقی ، نشر دلارنگ چاپ هشتم ۸۴

- مقدمه دیوان ناصر خسرو، به کوشش مرحوم تقی زاده، نشر چکامه ۶۱

- مهدی محقق ، تحلیل اشعار ناصر خسرو، نشر دانشگاه تهران ، چاپ چهارم ۶۳

روش کار :

پرداختن به ادبیات کهن حتی به کوتاهی و با اشاره بدون نام بردن از ناصرخسرو کاری ناپسند است زیرا جهت زبان دانی و زبان شناسی، سخن ورزی و سخن آفرینی، واژه شناسی و پایداری سبک این دانشمند ادیب تنها اشاره های جداگانه به نظر می رسند . حال آن که سرمنشا غایت های انسان دوستی و انسان پروری، پند و حکمت های سازگار زمان و دوران ناصرخسرو به زبان و اسلوب مردم پسند همبستگی قوی دارد.

لازم به ذکر است استخراج تلمیحات به صورت فرهنگ و همچنین روشهای کاربرد اشارات و تلمیحات در قصاید ناصرخسرو و تبیین اهداف زندگی او برای دستیابی به کاربرد عملی واژه های اخلاقی و تربیت فردی، اجتماعی و ارتباط آن با آموزه های دینی سابقه چندان طولانی ندارد. لذا انتخاب این موضوع و روش کاربرد آن به عنوان یک اقدام فرهنگی نو و بدیع مطرح است و ما نیز در پی بررسی و توضیح مسایل و مباحث دینی، اجتماعی، تربیتی ن هفته در قصیده های ناصرخسرو با بهره گیری از روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای (راهبرد) و ابزار فیش برداری با استفاده از «دیوان ناصرخسرو (قصاید) که به تصحیح و شرح «دکتر محقق و مجتبی مینوی چاپ دانشگاه تهران» به این مهم اقدام می کنیم.

- مرور مطالعاتی

در این تحقیق به پنجاه قصیده از دیوان حکیم ناصرخسرو به تبیین اشارات و تلمیحات به کار رفته در ادبیات این قصاید توجه گردیده و در آن با استفاده از منابع به بیان معانی الفاظ فلسفی، فقهی، اجتماعی و اخلاق عملی و با ذکر اعلام آیات و روایات به بررسی و تشریح نظرات شاعر در کاربرد تلمیحات و اشارات به عنوان هدف اصلی پرداخته ایم و پس از ذکر چکیده، کلیات، پیش گفتار، مقدمه با توجه به ترتیب مندرج قصاید در دیوان، ابیات مورد نظر از هر قصیده آورده شده و در ادامه به بیان معانی الفاظ و ذکر آیات و روایات برای هر مورد مصداق ذکر شد ه و در پایان نتیجه گیری، منابع و سپس چکیده لاتین آورده شده است.

خداوندی که در وحدت قدیم است از همه اشیاء نه اندر وحدتش کثرت نه محدث زین همه تنها

در تاریخ شعر کهن فارسی که عموماً از قرن سوم هجری شروع می شود کمتر شاعری به آزادی و علو طبع ناصر خسرو قبادیانی پیدا می شود. قاهره دارالخلافة خلفای فاطمی مصر تنها جای قابل اعتماد برای اوست فاطمیان به نام پیروی از اهل بیت و حضرت علی علیه السلام لام در آن سامان حاکمیت داشتند و با عباسیان و سلاطین سلجوقی هم سخت مخالف بودند. ناصر خسرو فریادخواه به نزد ایشان می شود و بنا به گفته خودش به دست الموید فی الدین شیرازی به مذهب فاطمی درمی آید. وی پس از مراجعت به خراسان با عنوان «حجت» شروع به تبلیغ مذهب فاطمیان می کند و در راه رساندن پیام خود که عموماً در قالب شعر و قصایدی غراست، همواره داعی به تقوا، عدالت، آزادگی، زهد، علم، خرد، حکمت و دانش دینی، طاعت یزدان و پیروی از خلفای فاطمی مصر است در مقابل مردمان را از جهالت، بندگی حکام جور، تملق و تزویر، زهدفروشی، دین فروشی، دلبستگی به زخارف دنیوی و ... باز می دارد.

ناصر خسرو که خود را شیعه ای علوی با ایمانی راسخ و درست می داند، علی وار بر بی عدالتی های حکام سلجوقی و خلفای عباسی برمی شورد و در این راه و انجام دادن این وظیفه است که مبعوض دشمنی عام و خاص خراسان گشته، سرانجام مجبور به ترک وطن و تبعید به دره یمگان می شود. اشعار و قصاید ناصر خسرو ظاهراً حاصل ۲۳ سال تبعید و زندگی در یمگان است. تبعیدی که تا پایان عمر وی یعنی ۴۸۱ هـ.ق به طول می انجامد وی در سراسر دیوان هیچگاه رسالت تبلیغ و هدایتگری را فراموش نمی کند. شمشیر کلام او همواره ذوالفقار است، با لبه ای بت می شکند و به افشای مظالم حکام ستمگر، انحراف عالم نمایان درباری و فساد شاعران شعر فروش که به گمراهی مردم می پردازد و با لبه دیگر به ستایش باریتعالی و نعت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام گرفته تا ستایش ذوات ارز شمنندی چون خرد، دانش، تقوا، آزادگی، مناعت طبع، ایستادگی در برابر ستم می پردازد. تلمیحات و اشارات او به هیچ روی چون شاعران شعرفروش خراسان «مر این قیمتی دُر لفظ دری را به پای خوکان نمی ریزد» و (محمود غزنوی را به زهد عمار و بوذر نمی ستاید). شعر او سراسر حکمت و دانش، پرهیز و آزادگی است. با این اوصاف ناصر خسرو در میان شاعران پارسی گوی اگر نتوان گفت بی نظیر، کم نظیر است.

ناصر خسرو اساساً «شعر» را مرادف و مساوی «مدح دینی» و «پند» و «حکمت» و «زهد» می داند و اگر شعرش بجز این معانی باشد، از نظر وی شعر نخواهد بود حتی وقتی خود را شاعر می داند که

«سخن و شعرش» مدح «آل عبا» باشد، در غیر این صورت حتی از اط لاق عنوان «شاعر» به خود عار دارد:

شعرم بخوان و فخر مدان مرا به شعر دین دان نه شعر فخر من و هم شعار من
(ب/۱۴۰/ق/۴۰)

ناصرخسرو به خاطر دارا بودن این نگرش نسبت به شعر و شاعری، در سراسر دیوان به سخن خود تفاخر می کند.

شعر او «در عین آمیختگی به حکمت، صعب و بایسته و در بافته چون آهن» است که خود گفته:
سخن حکمتی و خوب چنین باشد صعب و بایسته و دربافته چون آهن
(ب/۱۷/ق/۴۶)

آری از آزادمردی استوار و مقاوم در برابر سلاطین سفاک و خونریز سلجوقی و برچسب های ناچسب عالم نمایان درباری، چنین سخنی «دربافته چون آهن» دور از انتظار نیست به همین سبب است که در تاریخ شعر کهن هزار ساله ی فارسی، ناصرخسرو قبادیانی نمونه (ای) از هنرمندان و شاعران مصمم و آزاده و متعهد (است).^۱

ناصرخسرو همانند هر مسلمان مومن به رسول اکرم (ص) در اطاعت و دوستی او به صحابه آن حضرت نیز ایمان و اعتقاد دارد. البته در این میان بعضی از آنها را بسیار ارج می نهد و برخی را نه می ستاید و نه نکوهش می کند و به بعضی هم در قالب کنایه و تعریض معترض است. دلیل عمده این مخالفت همانا حوادثی است که در صدر اسلام پس از رحلت رسول اکرم (ص) بر سر مساله جانشینی آن حضرت رخ داده است از این رو، ستایش حضرت ختمی مرتبت (ص) به عنوان یکی از مضامین و مواد مهم شعر فارسی به ویژه در قالب قصیده، با ناصرخسرو شروع نشده است اما وقتی کار به ناصرخسرو می رسد دو نکته وی را از دیگر شاعران در این عرصه متمایز می کند: الف- از نظر فنی و شکل، در قالب قصیده با آوردن همین مضمون تحولی ایجاد می کند. بدین معنی که روال معمول قصیده فارسی که با ت غزلی در وصف طبیعت، وصل و هجران، وصف معشوق زمینی ... شروع می شد و با بیت تخلص شاعر به مدح ممدوحین غیردینی گریز می زد، از زمان ناصرخسرو به طور کلی ت غزل به موعظه و پند و بیت تخلص، گریزی به مدح و منقبت شخصیت های دینی و در رأس آن مدح سید کاینات، خواجه ی دو عالم حضرت محمد مصطفی (ص) و فرزندان به ویژه حضرت فاطمه (س) و حضرت علی (ع) و حسن (ع) و حسین (ع) شد.

۱- حسین رزمجو، شعر کهن فارسی در ترازوی ن قد اخلاق اسلامی، ۱ و ۲، انتشارات آستان قدس رضوی، تیرماه

ب- نکته دوم که وجه اختلاف کار ناصر با منقبت گویان قبلی به ویژه کسایی مروزی است کمیت و شمار فراوان ابیات در این مضمون است که تا آن هنگام، قرن پنجم هجری قمری بی سابقه است در همه دیوان، دو قصیده ی (۵۸) مشتمل بر ۴۰ بیت با ردیف «محمد(ص)» و قصیده ی «۵» از ملحقات مشتمل بر «۳۸» بیت با ردیف «ای رسول» به طور مستقل در مدح پیامبر اکرم (ص) است شماری از ابیات این بخش به واسطه اشتراک با عناوین اهل بیت، آل عبا، اهل عبا، با نام مبارک حضرت رسول (ص) و نام حضرت علی (ع) در بخش های مربوط به «ستایش حضرت علی (ع)» و «ستایش اهل بیت» هم آمده است در تمام دیوان ناصر خسرو تنها قصیده ای که به طور کامل به مدح و ستایش علی (ع) پرداخته، قصیده (۸۵) است و شمار ابیات آن ۴۷ بیت است. دیگر مدایح و مناقب به طور پراکنده در سرتاسر دیوان، به مناسبت های مختلف عموماً در مضامین و تعبیرات آمده است.

حضرت فاطمه (س) دخت گرامی پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و همسر حضرت علی (ع) شخصیت اسلامی دیگری است که ناصر خسرو با تمام عشق و اعتقاد در دیوان ستوده است. ناصر خسرو بر مذهب شیعه اسماعیلی است از این روی در دیوان خود، پس از علی (ع) امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام علی بن الحسین (سجاد) (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) را ستوده است. اما با آن که اسماعیلی است در همه جای دیوان وی حتی یک بار نامی از اسماعیل به عنوان فرزند امام صادق (ع) یا به عنوان رهبر و امام نیامده است.

ناصر خسرو با توجه به محیط تربیتی و اجتماعی آن روز، مسلمانی است اهل علم و دانش به اصطلاح امروز، تحصیل کرده از دانش های زمان اگر نگوئیم اطلاعاتی عالی دارد، دست کم با اطلاع است. به دنبال حقیقت است، از کج روی ها و ناراستی های سیاسی و اجتماعی به ویژه آلت دست شدن دین و مذهب در دست صاحبان زر و زور و تزویر شدیداً رنج می برد، فطرت پاک و حقیقت جو به او نهیب ی زند که «برخیز و سفر پیش گیر» هجرت کن. وی مطمئناً در اوضاع زمانه و حالات خود و حقیقتی که ماورای ظواهر است اندیشه ها و نفرس ها نموده، چنانکه سطور آغازین سفرنامه او گواه این مطلب است: «در ربیع الاخر سنه سبع و ثلاثین و اربعمأه ... به پنج ديه مروالرود فرود آمدم، که در آن روز قرآن رأس مشتری بود گویند که هر حاجت که در آن روز خواهند باری، تعالی و تقدس، روا کند به گوشه ای رفتم دو رکعت نماز بکردم و حاجت خواستم تا خدای تبارک و تعالی، مرا توانگری حقیقی دهد.»^۲ و یکی از علل نیاز به شناخت مکرر ناصر خسرو همین انگیزه درونی اوست.

۲- سفرنامه، ص ۱، ناصر خسرو، به کوشش محمد دبیر سیاقی، زوار، بهمن ۱۳۵۶

از مضامین مهم و پر ارجی که در دیوان ناصرخسرو به کرات به چشم می خورد و بارها از سوی وی ستایش شده «عقل» و «صاحبان آن» است.

«خرد» پیامبر و حجت درونی ابناء بشر است:

خرد سوی هر کس رسول نهفته که در دل نشسته به فرمان یزدان

خرد کو رسول خدایست زی بق چه خوانده ست بر تو از این باب؟ برخوان

(ق ۳۹/ب ۳۵/۴۲)

دو بیت اخیر اشاره به این موضوع است که در گفتار معصوم امام موسی کاظم (ع) نیز این چنین آمده است:

«انَّ لَهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرِهِ وَ حُجَّةَ بَاطِنِهِ، فَاَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْاَنْبِيَاءُ وَ الْاِئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: وَ اَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»^۳

دانش مورد نظر ناصرخسرو «دانش» خداشناسی و معرفت نفس است که علی (ع) فرموده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»^۴ و ناصرخسرو آورده است:

ز اول هستی خود را نکو بشناس و آنگاهی

عنان برتاب از این گردون و زین بازیچه ای غبرا

(ق ۱/ب ۳۲)

ارزش حقیقی انسان به همین قدرت «بیان و سخنوری» است و به قول ناصر مابقی، یکسر «گل و ماده» است و اساساً اصل وجود و فلسفه ی آفرینش انسان همانا «سخن» است و بس، چنانکه در حدیث منقول از حضرت علی (ع) آمده است که آن حضرت فرمود: «زیباترین چیزی که خدا آفریده است همانا «کلام» است. (ناصرخسرو و ادب اعتراض ۲۶۸/۱۳۸۵)

ناصرخسرو فلسفه آفرینش انسان را با این دیدگاه چنین ترسیم کرده است:

تخم ما بی گمان سخن بوده ست خوبتر زین کسی نداد نشان

و آنچه او از سخن پدید آید به سخن باشدش بقا و توان

به سخن مردم آمده ست پدید به سخن جان او رسد به جنان

سخن اول آن شریف خرد سخن آخر آن عزیز قرآن

سخنت اول و سخنت آخر سخنی خوب شو در این دو میان

(ق ۱۱ب ۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)

۳- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۶، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۶۲، حدیث ۱۳۰۵۸، ص ۴۰۲

۴- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۱۴۲، حدیث ۱۱۹۲۳، سابق

در بیت اول «تخم ما بی گمان سخن بوده است» به اصل آفرینش انسان اشاره دارد که فعل خدا، در حقیقت قول خداست که با لفظ «کن» هستی، هست شده است: «أَنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۵

به عبارت دیگر سخن، مقوم بُعد روحانی (عقلانی) انسان است، که ناصر خسرو در جای دیگر آورده است:

گل خواره تنست جان سخن خوارست جانت نشود زگل چو تن کامل
جان را به سخن به سوی گردون کش تن را با گل ز دل به یک سو هیل

(ق ۱۲۶/ب ۱۵، ۱۶)

«و این دقیقاً» منطبق با بینش قرآن درباره خلقت انسان است که تن او از خاک همی ن جهان آفریده شده است: «و لقد خلقنا الانسانَ من سُلَالَةٍ من طينٍ»^۶ که این ناظر بر بعد مادی انسان است و پس از اتمام ساختمان بدن، در ادامه همین آیه شریفه فرموده است: «ثُمَّ انشأناه خلقنا آخر»^۷ واژه ی «انشأ» در لغت عرب به معنای «ایجاد بی سابقه» است یعنی پس از خلق جسم او، او را آفرینش دیگری آفریدیم که آفریدن ثانی ناظر بر بعد روحانی و آسمانی انسان است که در آیتی دیگر فرموده است: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي»^۸ (همین که او را پراختم و از روح خود در او دمیدم) در بیت چهارم «سخن اول آن شریف خرد، سخن آخر آن عزیز قرآن» به این مطلب تصریح دارد که «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ» یعنی اولین «سخن» و اولین «مخلوق» عقل است و آخرین «سخن» هم قرآن کریم که به قلب حضرت ختمی مرتبت (ص) نازل شده است.^۹

۵- نحل/ ۱۴

۶- مومنون/ ۱۲

۷- مومنون/ ۱۴

۸- حجر/ ۲۹

۹- علی محمد پشت دار، ناصر خسرو و ادب اعتراض، چ اول، خدمات فرهنگی صبا، تهران سال ۱۳۸۵، صص ۱-۲۶۹ (با تصرف و تلخیص)

فصل دوم